

The Dynamic Three-Level Model of Spirituality-Based Ethics¹

Mohammad Reza Bahary 

Assistant Professor, Department of Moral Education, Faculty of Theology and Islamic Thought,
University of Tehran, Tehran, Iran.

bahary.mohammad@ut.ac.ir



Abstract

This article aims to present a systematic, dynamic, and applicable model that explains how ethics is actualized within the framework of Islamic spirituality. Employing qualitative content analysis of authentic Islamic sources—namely the Holy Qur'an, authoritative Hadith collections, and classical ethical works—eight key components were identified and extracted across three interrelated domains: 1- Existential-Relational Components (Divine Love and Trust in God), 2- Heart-Refining Components (Intention, Sincerity, and Contentment), and 3-Instrumental Self-Monitoring Components (Mindfulness [*Murāqaba*], Striving Against the Self [*Mujāhada al-Nafs*], and Self-Accounting [*Muḥāsabat al-Nafs*]). By synthesizing these elements, the Dynamic Three-Level Model of Spirituality-Based Ethics is proposed, in which the three levels—Foundational-Relational, Operational Self-Regulatory, and Developmental- Manifestational—interact within a positive feedback system, conceptualized as a *virtue cycle*. The innovation of this model lies in articulating the dynamic interplay among these levels

۴۰
مجله
پژوهش‌های
فلسفه و
تفکر
سال چهارم، شماره ۱، ۱۴۰۴

1. Bahary, M. R. (2025). The Dynamic Three-Level Model of Spirituality-Based Ethics. *Islamic Spirituality Studies*, 4(1), pp. 40-68.

<https://doi.org/10.22081/jsr.2025.73734.1166>

▣ **Article Type:** Research; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy

▣ **Received:** 2025/05/18 • **Revised:** 2025/07/21 • **Accepted:** 2025/08/01 • **Online Publication:** 2025/09/01

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



and highlighting the intermediate level as a self-regulating operational system. Finally, the model's analytical and applicational capacity is demonstrated in two key domains: moral education and the analysis of structural hypocrisy in digital environments, both elaborated with references to Islamic sources and contemporary studies. The findings indicate that this model can both diagnose the internal mechanisms underlying current moral crises and provide a conceptual framework for designing educational and cultural interventions grounded in the practical wisdom tradition of Islam.

Keywords

Practical Ethics; Islamic Spirituality; Conceptual Model; Virtue; Mindfulness; Sincerity; Moral Resilience.

مدل سه سطحی پویای اخلاق معنویت‌بنیاد^۱


محمد رضا بهاری

استادیار، گروه مدرسی اخلاق، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

bahary.mohammad@ut.ac.ir



چکیده

این مقاله با هدف ارائه مدلی نظام‌مند، پویا و کاربست‌پذیر از سازوکار تحقق اخلاق در چارچوب معنویت اسلامی تدوین شده است. با اتکا به روش تحلیل محتوای کیفی منابع اصیل اسلامی (قرآن کریم، جوامع حدیثی معتبر و آثار اخلاقی کلاسیک)، هشت مؤلفه کلیدی در سه حیطه به هم پیوسته شناسایی و استخراج گردید: ۱. مؤلفه‌های رابطه وجودی (محبت الهی و توکل)، ۲. مؤلفه‌های کیفی ساز قلبی (نیت، اخلاص و رضا) و ۳. مؤلفه‌های ابزار - محور خودنظارتی (مراقبه، مجاهده نفس و محاسبه نفس). سپس، با سنتز این مؤلفه‌ها، «مدل سه سطحی پویای اخلاق معنویت‌بنیاد» ارائه می‌شود که در آن سطوح «بنیادین-رابطه‌ای»، «خودنظارتی- عملیاتی» و «تکاملی-تجلی» در یک چرخه تعاملی با بازخورد مثبت (چرخه فضیلت) قرار می‌گیرند. نوآوری مدل در صورت‌بندی تعامل پویای این سطوح و برجسته‌سازی سطح میانی به عنوان سامانه عملیاتی خودتنظیم‌گر است. درنهایت، ظرفیت تحلیلی و راهگشای این مدل در دو عرصه کاربردی کلیدی- تربیت اخلاقی و تحلیل ریاکاری ساختاری در فضای مجازی- با تفصیل و استناد به منابع اسلامی و مطالعات معاصر به نمایش گذاشته می‌شود. نتایج نشان می‌دهد این مدل قادر است هم مکانیسم‌های درونی بحران‌های اخلاقی زمان حاضر را ریشه‌یابی کند و هم چارچوبی برای طراحی مداخلات تربیتی و فرهنگی مبتنی بر سرمایه حکمت عملی اسلام فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها

اخلاق عملی، معنویت اسلامی، مدل مفهومی، فضیلت، مراقبه، اخلاص، تاب‌آوری اخلاقی.

۱. بهاری، محمد رضا. (۱۴۰۴). مدل سه سطحی پویای اخلاق معنویت‌بنیاد. معنویت‌پژوهی اسلامی، ۴(۱)، صص ۴۰-۶۸.
<https://doi.org/10.22081/jsr.2025.73734.1166>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۴/۳۰ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۰ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۶/۱۰

© ۲۰۲۵ «نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند»



مقدمه

ضرورت صورت‌بندی نظام‌مند از فرآیند اخلاقی شدن در پاسخ به فلج اراده اخلاقی معاصر اخلاق، به عنوان منظومه‌ای از فضایل و کنش‌های نیک، همواره محور ثقل تمدن‌های بشری بوده است. در سنت اسلامی، اخلاق نه مجموعه‌ای از باید‌ها و نبایدهای تنها عقلانی یا قراردادی، بلکه تجلی و ثمره سلوک معنوی و رابطه وجودی انسان با مبدأ هستی تلقی می‌شود. این سنت بر پیوندی ناگسستنی و دیالکتیکی میان معنویت (به مثابه سلوک وجودی و ارتباط با خدا) و اخلاق (به مثابه تجلی عینی فضایل) تأکید دارد؛ به گونه‌ای که اخلاق، زاینده و نمود بیرونی ایمان است.

با این حال، جهان معاصر با بحران پیچیده‌ای در ساحت عمل اخلاقی مواجه است: «فلج اراده اخلاقی». در این وضعیت، علیرغم گسترش دانش و قواعد اخلاقی، شکافی عمیق و فزاینده بین معرفت اخلاقی دینی و عمل پایدار اخلاقی در سطوح فردی و اجتماعی دیده می‌شود. رویکردهای اخلاقی سکولار بیشتر، از وظیفه‌گرایی عقلانی محض تا فایده‌گرایی محاسبه‌گر، در ایجاد انگیزشی درونی، معنابخش و تاب‌آور ناتوان بوده‌اند. بسیاری از پژوهش‌ها در حوزه روان‌شناسی اخلاق و تربیت بر این «شکاف معرفت-عمل» (Knowledge-Action Gap) تأکید دارند (Blasi, 1984; Rest et al., 1999). این شکاف، پرسش بنیادینی را پیش می‌نهد: سازوکار درونی تبدیل آموزه‌های معنوی به فضیلت عملی پایدار و تاب‌آور چیست؟

پاسخ به این پرسش، مستلزم عبور از توصیف فهرست‌وار فضایل و رذایل و حرکت به سوی ارائه مدلی پویا و فرآیندمحور است که منطق درونی تحول اخلاقی در چارچوب جهان‌بینی اسلامی را تبیین کند. با وجود غنای مفهومی سنت اسلامی، خلأ پژوهشی بنیادینی قابل تشخیص است: نبود یک مدل نظام‌مند، پویا و تبیین‌کننده که سازوکار دقیق این تبدیل را روشن کند. پرسش اصلی و ادعای نظری این مقاله، ارائه «مدل سه‌سطحی پویای اخلاق معنویت‌بنیاد» در پاسخ به این خلأ است. مدلی که بتواند:

۱. مؤلفه‌های محوری معنویت اسلامی را که زیرساخت یک نظام اخلاقی تاب‌آور را تشکیل می‌دهند، شناسایی و دسته‌بندی کند.

۲. تعامل پویا، تقویت‌کننده و خودنظارتی میان این مؤلفه‌ها را در قالب یک «چرخه فضیلت» تشریح نماید.

۳. سازوکارهای روان‌شناختی-وجودی اثرگذاری هر مؤلفه را تبیین کند.
 نوآوری این مقاله در سه محور خلاصه می‌شود: (۱) ارائه نخستین مدل نظام‌مند سه‌سطحی در این حوزه که سطوح «بنیادین-رابطه‌ای»، «خودنظارتی-عملیاتی» و «تکاملی-تجلی» را دربرمی‌گیرد؛ (۲) تمرکز بر تبیین سازوکارهای درونی و پویای تحول اخلاقی؛ و (۳) نشان‌دادن ظرفیت کاربردی و تحلیلی مدل در مواجهه با مسائل اخلاقی پیچیده معاصر- از بحران‌های تربیتی تا آفت‌های فضای سایبر.

این پژوهش با اتکا به منابع اصیل اسلامی و با رویکردی نظام‌مند در پی تحقق این هدف است. روش پژوهش، بنیادی و از نوع تحلیلی-توصیفی است که با تحلیل محتوای کیفی متون دست‌اول اسلامی (قرآن، حدیث، آثار اخلاقی کلاسیک) و سنتز نظری پیش می‌رود. ابتدا مؤلفه‌های کلیدی استخراج و دسته‌بندی می‌شوند. سپس، مدل مفهومی ارائه و سازوکار چرخه فضیلت در آن تشریح می‌گردد. در نهایت، قدرت تبیین‌کنندگی و کاربست این مدل در دو حوزه کاربردی تربیت اخلاقی و تحلیل ریاکاری ساختاری در فضای مجازی، با تفصیل بررسی خواهد شد.

۱. مبانی مفهومی و پیشینه

۱-۱. مفهوم‌پردازی رابطه «معنویت» و «اخلاق» در اسلام

در منظومه معرفتی اسلام، «اخلاق» و «معنویت» دو روی یک سکه و دو بُعد جدایی‌ناپذیر حیات انسانی متعالی هستند. اخلاق در این نگاه، صرفاً مجموعه قواعدی برای تنظیم رفتارهای اجتماعی نیست، بلکه تجلی بیرونی و ثمره نهایی سلوک باطنی و تحول وجودی فرد است. این پیوند ناگسستنی، در خود تعریف «ایمان» نهفته است؛ چنان‌که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا» (کامل‌ترین مؤمنان از حیث ایمان، خوش‌اخلاق‌ترین آنان است) (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۸۹، ح ۵۸۱۴، ترمذی، بی تا، ج ۴، ص ۳۵۵، ح ۲۶۱۲). این حدیث به وضوح نشان می‌دهد که حسن خلق، عیار و معیار

کمال ایمان است. قرآن کریم نیز هدف از بعثت پیامبر ﷺ را «تزکیه» (پالایش درونی) و «تعلیم کتاب و حکمت» معرفی می‌کند (جمعه، ۲)، و رستگاری را مشروط به «تزکیه نفس» می‌داند (شمس، ۹-۱۰). در این چارچوب، عمل اخلاقی نیک، نه امری اضافی، بلکه نمودار و عینیت یافته نفس مزکی و قلبی است که به نور معرفت و محبت الهی روشن گشته است؛ بنابراین، معنویت اسلامی به منزله ریشه و منبع حیات بخش درخت اخلاق است و فضایل اخلاقی، میوه‌های شکوفای آن در عرصه فردی و اجتماعی.

۲-۱. بررسی انتقادی پیشینه

۱-۲-۱. سنت اسلامی: از توصیف لایه‌ها تا خلأ تبیین سازوکار

بررسی میراث غنی اسلامی در حوزه اخلاق، نشان می‌دهد که رابطه سه‌جانبه «باطن» و «ظاهر» یا «نیت» و «عمل» همواره مورد تأکید بوده است. متفکران مسلمان، بیشتر به شکل سه لایه مفهومی درهم تنیده به این موضوع پرداخته‌اند که می‌توان آن را چارچوب پایه‌ای اندیشه اخلاقی اسلامی دانست:

۱-۲-۱-۱. لایه بینش و رابطه وجودی (مبنا): این لایه، به بنیان‌های متافیزیکی و معرفتی اخلاق اشاره دارد. معرفت الله و محبت الهی، سنگ بنای این لایه است. فیض کاشانی در المحجة البیضاء با الهام از احیاء علوم الدین غزالی، تصریح می‌کند که اعمال، شاخه‌ها و ثمرات اعتقادات و احوال قلبی هستند و «اصل همه طاعات، معرفت و محبت است» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۸۷). در این نگاه، شناخت خدا و عشق به او، نیروی محرکه و جهت‌دهنده کل سیر اخلاقی است.

۲-۲-۱-۲. لایه حالات و ملکات قلبی (واسطه): این لایه، محل تبدیل بینش به کیفیت‌های پایدار نفسانی است. فضایی چون اخلاص، توکل، رضا، صبر و شکر، ملکات قلبی (صفات راسخه درونی) هستند که از معرفت و محبت نشأت می‌گیرند و خود، جهت‌دهنده اعمال بیرونی‌اند. نراقی در جامع السعادات، فضایل را به قلبیه، نفسیه و بدنییه تقسیم و بر نقش محوری فضایل قلبیه تأکید می‌کند (نراقی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۶۷).

۳-۲-۱-۳. لایه کنش و عمل (تجلی): این لایه، عرصه ظهور و بروز بیرونی اخلاق است.

اعمال نیک، رفتارهای عادلانه و آداب اجتماعی، تجلیات عینی و ملموس همان ملکات قلبی هستند. قرآن کریم بارها بر «ایمان و عمل صالح» به عنوان یک کل منسجم تأکید کرده است (مثلاً سوره عصر، ۳).

نقد و خلأ شناسایی شده: با وجود تبیین این سه لایه در آثار بزرگان، یک خلأ روش شناختی و تبیینی مشهود است. در این آثار، کمتر به سازوکارهای دقیق، عملیاتی و روان شناختی چگونگی تبدیل «بینش» به «ملکه» و «ملکه» به «عمل پایدار» پرداخته شده است. به بیان دیگر، سیستم عامل (Operating System) یا موتور محرکه درونی که این تبدیل را مدیریت و تسهیل می کند، به صورت یک مدل نظام مند و پویا صورت بندی نشده است. نقش ابزارهای عملیاتی و خودنظارتی چون مراقبه و محاسبه نفس، اگرچه در متون پراکنده آمده؛ اما بیشتر ذیل مباحث عام سلوک مطرح شده و به عنوان یک سطح میانی مستقل و مؤثر که پل ارتباطی ضروری بین لایه بنیادین و لایه رفتاری است، تحلیل نشده است. این خلأ، موجب می شود راه کارهای تربیتی، بیشتر توصیه ای و کلی باقی بمانند و از قدرت تبیین و پیش بینی لازم برای مواجهه با پیچیدگی های اخلاقی جهان معاصر برخوردار نباشند.

۲-۲-۱. مطالعات معاصر

در حوزه مطالعات معاصر، دو جریان قابل توجه است: نخست، روان شناسی مثبت نگر و اخلاق فضیلت که با تمرکز بر شکوفایی، معنای زندگی و شکل گیری شخصیت فضیلت محور (Seligman, 2002 & MacIntyre, 2007)، زمینه گفت و گوی مفهومی را فراهم می کنند. دوم، مطالعات اسلامی معاصر که بیشتر یا به شرح مفاهیم کلاسیک پرداخته اند یا بر ضرورت کلی پیوند دین و اخلاق تأکید کرده اند (مانند آثار شهید مطهری و آیت الله جوادی آملی). با این حال، خلأ یک چارچوب نظری یکپارچه و نظام مند که هم ریشه در متون اصیل اسلامی داشته باشد و هم امکان گفت و گوی مؤثر و تولید فرضیه های پژوهشی را در عرصه بین رشته ای (علوم تربیتی، روان شناسی، علوم شناختی) فراهم آورد، به وضوح احساس می شود.

۱-۳. جمع‌بندی و جایگاه مقاله

با پذیرش چارچوب سه‌لایه‌ای ریشه‌دار در سنت اسلامی به عنوان پایه نظری، این مقاله در صدد پر کردن خلأ تبیین سازوکار است. نوآوری اصلی پژوهش حاضر در این است که سطح «خودنظارتی-عملیاتی» را - متشکل از مؤلفه‌های کلیدی مراقبه، مجاهده و محاسبه نفس - به عنوان سیستم پویا و رابط میان لایه بنیادین (معرفت/محبت) و لایه تکاملی (عمل/فضیلت تثبیت شده) معرفی و تحلیل می‌کند. این مدل، نه تنها روابط علیّ میان لایه‌ها را با ذکر سازوکارهای دقیق اثرگذاری هر مؤلفه مشخص کرده، بلکه با ارائه مفهوم «چرخه فضیلت» (یک حلقه بازخورد مثبت خودتقویت‌گر)، پویایی و امکان رشد تصاعدی نظام اخلاقی را تبیین می‌کند؛ بنابراین، مقاله حاضر در امتداد سنت فکری پیشین، گامی فراتر نهاده و با نظام‌مندسازی و عملیاتی کردن مفاهیم، چارچوبی برای تبیین، تحلیل و مداخله در فرآیند تربیت اخلاقی ارائه می‌دهد که هم وفادار به مبانی اسلامی است و هم ظرفیت گفت‌وگو با علوم انسانی معاصر را داراست.

۲. روش تحقیق

این پژوهش، در زمره پژوهش‌های بنیادی (نظری) و از نوع تحلیلی-توصیفی قرار دارد که با هدف تدوین یک مدل مفهومی نوین انجام شده است. روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای-اسنادی با تمرکز بر مطالعه هدف‌مند متون دست اول اسلامی معیار (شامل قرآن کریم، جوامع حدیثی معتبر شیعه به‌ویژه الکافی و نهج‌البلاغه، و آثار نظام‌مند اخلاقی مانند جامع‌السعادات و المحجة‌البیضاء) و نیز ادبیات معاصر مرتبط در حوزه فلسفه اخلاق و روان‌شناسی بوده است. روش تحلیل داده‌ها، تحلیل محتوای کیفی استنباطی و تحلیل مفهومی این متون است که در نهایت به سنتز نظری و مدل‌سازی مفهومی منجر شده است. اعتبار (صحت) یافته‌های این تحقیق نظری، مبتنی بر دو معیار اصلی است: اول، تثلیث منابع (Triangulation) به منظور اطمینان از استنباط صحیح مفاهیم از خلال حداقل دو منبع معتبر از انواع گوناگون (قرآن، حدیث، متون اخلاقی)؛

و دوم، انسجام منطقی درونی و قدرت تبیین کنندگی مدل ارائه شده. تمامی جزئیات منابع مورد استناد، در بخش پایانی مقاله ارائه خواهد شد.

۳. مؤلفه‌های کلیدی: فهرست مفهومی

پیش از ارائه مدل، لازم است مؤلفه‌های بنیادین معنویت اسلامی که زیرساخت اخلاق را تشکیل می‌دهند، به صورت فشرده و نظام‌مند معرفی شوند. براساس تحلیل محتوای کیفی قرآن کریم، جوامع حدیثی معتبر (به‌ویژه الکافی و نهج‌البلاغه) و آثار اخلاقی کلاسیک (مانند جامع‌السعادات و المحجة‌البیضاء)، هشت مؤلفه محوری در سه حوزه به هم پیوسته قابل شناسایی است. این دسته‌بندی، منطق درونی تحول اخلاقی را بازتاب می‌دهد.

۳-۱. مؤلفه‌های رابطه وجودی (سطح غایی-انگیزشی)

این مؤلفه‌ها، زیرساخت متافیزیکی و پاسخی وجودی به پرسش «چرایی اخلاق» فراهم می‌آورند و از معرفت نفس (به عنوان پیش‌نیاز) نشأت می‌گیرند. در حکمت متعالیه، این سطح متناظر با «سفر من الخلق إلى الحق» است.

۳-۱-۱. محبت الهی (المحبة الإلهية): این مؤلفه، حالت انجذاب قلبی و عشق وجودی به خداوند به عنوان کمال مطلق و محبوب حقیقی است. از منظر فلسفی، محبت، نیروی جاذبه عالم هستی و محرک اصلی سیر کمالی موجودات است. ملاصدرا در اسفار، محبت را «شوق طبیعی نفس به سوی کمال مطلق» می‌داند (صدرالمآلهین، ۱۳۸۰، ج ۷، ص ۱۵۴). قرآن کریم بر شدت این محبت در مؤمنان تأکید می‌کند: «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (بقره، ۱۶۵). در حدیث قدسی آمده است: «مَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ... وَلَا يَزَالُ يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّى أُحِبَّهُ» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ح ۶۵۰۲). این محبت دوطرفه، قوی‌ترین موتور محرکه عاطفی و معنابخش را برای سلوک اخلاقی ایجاد می‌کند و تکلیف را از حالت تحمیلی به اشتیاقی وجودی تبدیل می‌سازد. علامه طباطبایی در المیزان، محبت را سرآمد همه اخلاق می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۷۲).

۳-۱-۲. توکل (التَّوَكُّلُ): به معنای اعتماد قلبی و واگذاری امور به خداوند پس از به کارگیری اسباب، مبتنی بر شناخت ربوبیت و حکمت الهی است. توکل، نشانه ایمان و بیانگر آن است که فرد، خدا را تنها مؤثر حقیقی و کارساز نهایی می‌داند. قرآن کریم می‌فرماید: «وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (مائده، ۲۳) و نیز «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق، ۳). توکل، با ایجاد آرامش درونی و رهایی از اضطراب نتایج دنیوی، بنیان استقلال و تاب‌آوری اخلاقی را می‌سازد. این حالت، پادزهر ریا، وابستگی به تأیید دیگران و محاسبات صرفاً سودمندگرایانه است. امام علی علیه السلام در نهج البلاغه توکل را از ارکان ایمان برمی‌شمارد: «رَأْسُ الْإِيمَانِ التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ» (نهج البلاغه، حکمت ۴۵). غزالی در احیاء علوم الدین، توکل را از مقامات عالی سالکان می‌داند که پس از معرفت و یقین حاصل می‌شود (غزالی، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۲۱۸).

۳-۲. مؤلفه‌های کیفی ساز قلبی (سطح جهت‌دهی-نیتی)

این مؤلفه‌ها، ملکات نفسانی‌ای هستند که از رابطه وجودی نشأت می‌گیرند و کیفیت درونی و جهت عمل اخلاقی را تعیین می‌کنند. این سطح، محل تلاقی انگیزش غایی و عمل خارجی است.

۳-۲-۱. نیت (النِّيَّة): جهت‌گیری بنیادین قلب و اراده نسبت به عمل است. نیت، معیار تمایز عبادت از عادت، و عمل اخلاقی از حرکت مکانیکی است. بر اساس حدیث مشهور نبوی که در منابع فریقین نقل شده، «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۴ بخاری، ۱۴۲۲ق، ح ۱)، نیت جوهر و معیار ارزش و قبولی عمل است. نیت خالص، کوچک‌ترین اعمال را معنادار کرده و ثبات شخصیت اخلاقی در شرایط متغیر را تضمین می‌کند. فیلسوف اخلاق، السدیر مک‌این‌تایر، در کتاب فضیلت (After Virtue) بر اهمیت «نیت خیر» به عنوان جزء جدایی‌ناپذیر عمل فضیلتمند تأکید می‌کند، مفهومی که در سنت اسلامی عمق متفاوتی می‌یابد (MacIntyre, 2007).

۳-۲-۲. اخلاص (الإِخْلَاصُ): تصفیۀ نیت و عمل از هر شائبۀ غیرالهی و انگیزۀ شرک‌آمیز. اخلاص، اوج پالایش درونی و تجلی توحید در عرصۀ عمل است. قرآن

کریم فرمان می‌دهد: «فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ» (زمر، ۲). اخلاص، پالایندۀ نهایی انگیزه‌ها و ایجادکنندۀ ثبات موقعیتی (یکسانی عمل در خلوت و جلوت) است. این مؤلفه، عمل را از وابستگی به پاداش‌های بیرونی و پندارهای مردم رها کرده و به آن تاب‌آوری در برابر ناملایمات می‌بخشد. در روایات، اخلاص «سِرِّ» و «روح» عمل خوانده شده است. امام صادق علیه السلام فرمودند: «إِخْلَاصُ الْعَمَلِ أَشَدُّ عَلَى الْعِبَادِ مِنَ الْعَمَلِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۶). مولوی در مثنوی، اخلاص را شرط رسیدن به مقصود می‌داند: «ای بسا هندو و ترک همزبان / ای بسا دو ترک چون بیگانگان / پس زبان محرمی خود دیگر است / همدلی از همزبانی بهتر است» (مولوی، دفتر اول).

۳-۲-۳. رضا (الرِّضَا): حالت پذیرش و خشنودی قلبی به قضای الهی، اعم از خوشایند و ناخوشایند، از روی معرفت به حکمت و عدل پروردگار. رضا فراتر از صبر منفعل، نوعی پذیرش فعالانه و همراه با آرامش است. قرآن کریم از بازگشت «نفس مطمئه» به سوی پروردگار در حال رضا سخن می‌گوید: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً» (فجر، ۲۷-۲۸). رضا، تثبیت‌کنندۀ آرامش وجودی در حین عمل و پس از آن است. این مؤلفه، هیجان‌های مخربی مانند حسد، خشم و ناامیدی را مهار کرده و انعطاف‌پذیری اخلاقی در برابر ناملایمات را افزایش می‌دهد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الرِّضَا يُسَكِّنُ الْقَلْبَ» (آمدی، بی‌تا، ح ۱۰۳۴). در کتاب عرفان رضا اسلامی از مقامات عالی سالکان و ثمرۀ توکل کامل دانسته شده است (قشیری، ۱۴۲۲ق، ص ۱۶۵).

۳-۳. مؤلفه‌های ابزار-محور خودنظارتی (سطح عملیاتی-کنترلی)

این مؤلفه‌ها، سامانۀ عملی و پویای خودتنظیمی را تشکیل می‌دهند که انگیزش سطح اول را مدیریت کرده و آن را به ملکات کیفی سطح دوم و عمل پایدار تبدیل می‌کند. این سطح، کارگاه ساخت شخصیت اخلاقی است.

۳-۳-۱. مراقبه (المُرَاقَبَةُ)

حفظ حالت نظارت و هوشیاری دائم‌القلب همراه با آگاهی از حضور، علم و قدرت

خداوند در تمام احوال. مراقبه، قلب را از غفلت - که مادر همه رذایل است - محافظت می‌کند. امام علی علیه السلام آن را «رَأْسُ الدِّينِ» می‌داند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۷). مراقبه به منزله یک سیستم هشدار بلادرنگ و فیلتر شناختی - هیجانی عمل کرده و با ایجاد «فاصله تأملی» بین محرک و پاسخ، فضای ضروری برای انتخاب آگاهانه اخلاقی را فراهم می‌آورد. آیه «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوا» (بقره، ۲۳۵) بنیان قرآنی این مؤلفه است. در روان‌شناسی معاصر، مفهوم «ذهن آگاهی» (Mindfulness) که ریشه در سنت‌های شرقی دارد، تشابهاتی با مراقبه دارد، اما مراقبه اسلامی افزون بر خودآگاهی، بر «آگاهی از حضور محضر الهی» تأکید ویژه دارد (Kabat-Zinn, 2003).

۳-۳-۲. مجاهده نفس (المُجَاهَدَةُ)

به کارگیری اراده برای مقاومت در برابر هوای نفس و انجام فضایل دشوار، از طریق تمرین عملی و تکرار. مجاهده، جنگ درونی برای تسلط بر قوای شهوانیه و غضبیه و هدایت آنها تحت فرمان عقل و شرع است. قرآن کریم وعده هدایت به مجاهدان می‌دهد: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (عنکبوت، ۶۹). مجاهده، تمرین عینی و مکرر اراده اخلاقی است که از طریق تکرار عمل، «ملکه فضیلت» را در نفس حک می‌کند و پلی بر شکاف میان دانستن و عمل کردن می‌زند. نظریه‌های روان‌شناسی در حوزه «خویشتن‌داری» (Self-Control) و «تقویت اراده» (Willpower) مانند نظریه «عضله اراده» (Ego Depletion) اثر بامایستر، بر اهمیت تمرین تدریجی برای تقویت توان مقاومت در برابر وسوسه تأکید دارند که همخوان با مفهوم مجاهده است (Baumeister & Tierney, 2011). امام خمینی رحمه الله در چهل حدیث، مجاهده را «سنگ بنای سیر و سلوک» می‌داند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۵۶).

۳-۳-۳. محاسبه نفس (المُحَاسَبَةُ)

ارزیابی دوره‌ای، منصفانه و دقیق عملکرد شخصی، نیات، لغزش‌ها و پیشرفت‌ها. محاسبه نفس، فرآیند نظارت پسینی و یادگیری از تجربه است. امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

«حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا» (نهج البلاغه، حکمت ۳۱). محاسبه نفس، یک سیستم بازخورد و یادگیری از تجربه ایجاد می‌کند که از عادی‌شدن خطاها جلوگیری کرده، پیشرفت‌ها را تقویت نموده و رشد تدریجی و مستمر اخلاقی را ممکن می‌سازد. این مؤلفه، تجلی عقل عملی است که رفتار را ارزیابی و برای آینده برنامه‌ریزی می‌کند. در آثار اخلاقی مانند محاسبه النفس اثر عبدالله انصاری و مراقبات اثر امام خمینی رحمته الله، روش‌های عملی محاسبه نفس به تفصیل بیان شده است.

نکته پایانی: این مؤلفه‌ها، در تعاملی پویا و غیرخطی قرار دارند. مؤلفه‌های سطح الف (رابطه وجودی)، سوخت و جهت کل فرآیند را تأمین می‌کنند. مؤلفه‌های سطح ب (قلبی)، کیفیت نهایی عمل را می‌سازند و مؤلفه‌های سطح ج (خودنظارتی)، سازوکار عملیاتی تبدیل سوخت و جهت به کیفیت پایدار را بر عهده دارند. صورت‌بندی نظام‌مند تعامل این سه سطح، هسته مدل پیشنهادی این مقاله را تشکیل خواهد داد.

۴. ارائه مدل سه‌سطحی پویای اخلاق معنویت‌بنیاد

بر مبنای مؤلفه‌های استخراج‌شده و با هدف تبیین سازوکار تبدیل آموزه‌های معنوی به فضیلت عملی پایدار، مدل «اخلاق معنویت‌بنیاد» در سه سطح به هم پیوسته و یک چرخه کلان طراحی می‌شود. نوآوری این مدل، در صورت‌بندی تعامل پویای این سطوح و برجسته‌سازی سطح میانی به عنوان سامانه عملیاتی خودتنظیم‌گر است. این مدل را می‌توان به یک درخت پویا تشبیه کرد: ریشه‌ها (سطح یک)، تنه و شاخه‌های فعال (سطح دو)، و میوه‌ها (سطح سه) که خود به تقویت ریشه و تنه می‌انجامند.

۴-۱. سطح بنیادین-رابطه‌ای (تولید معنا و تاب‌آوری وجودی)

این سطح، عمیق‌ترین لایه را تشکیل می‌دهد و متشکل از محبت الهی و توکل است. این دو مؤلفه در یک رابطه دیالکتیکی، بنیاد متافیزیکی و روان‌شناختی لازم برای کل سیر اخلاقی را می‌سازند.

محبت الهی به عنوان نیروی جاذبه عاطفی و معنابخش («وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ»

(بقره، ۱۶۵)، جهت غایی حرکت (قرب به خدا و طلب رضایت او) را مشخص می‌کند و تکلیف را به اشتیاقی وجودی تبدیل می‌کند. این محبت، منبع بی‌پایان انرژی و پشتکار اخلاقی است.

توکل «وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا» (مائده، ۲۳) به عنوان سپر اضطراب و بی‌اعتنایی به نتایج دنیوی، استقلال اخلاقی فرد را از نظام پاداش و تنبیه بیرونی تضمین می‌کند. توکل، آرامشی می‌آفریند که فرد را قادر می‌سازد بدون ترس از شکست یا طمع در پاداش‌های مادی، به وظیفه اخلاقی خود عمل کند.

در کنش متقابل، محبت، توکل را از حالتی حساب‌گرانه و ترس‌آلود به واگذاری اعتمادآمیز و عاشقانه تبدیل می‌کند. از سوی دیگر، توکل، فضای روانی آرام و به دور از اضطراب لازم برای شکوفایی محبت را فراهم می‌آورد. حاصل این تعامل، شکل‌گیری یک «هویت اخلاقی تاب‌آور» است که هم جهت غایی دارد و هم در برابر طوفان‌های درونی (هوای نفس) و بیرونی (فشارهای اجتماعی) مقاوم و استوار است. این سطح، پاسخ نهایی به پرسش «چرا اخلاقی باشیم؟» را نه در قرارداد اجتماعی یا فایده‌گرایی، که در «معنابخشی وجودی و رابطه با مطلق» ارائه می‌دهد.

لازم به توجه است که «مطلق» در این مدل، اشاره به خداوند به عنوان حقیقت نامشروط، نامحدود و کامل دارد. «رابطه با مطلق» نیز یک پیوند وجودی عمیق مبتنی بر فقر، عبودیت، محبت و قرب است. این رابطه، پاسخی استوار به پرسش «چرا اخلاقی باشیم؟» ارائه می‌دهد؛ زیرا اخلاق، زبان و مسیر ارتباط با حقیقت نهایی و کمال مطلق است و در این مسیر، معنا، انرژی و جهت نهایی زندگی ما تأمین می‌شود. این بنیاد است که هویت اخلاقی را از نسبیت‌های فرهنگی و مصلحت‌سنجی‌های مادی مصون داشته و به آن تاب‌آوری وجودی می‌بخشد.

۴-۲. سطح خودنظارتی- عملیاتی (سامانه کنترل درونی و تبدیل)

این سطح، پل عملیاتی مدل و محل نوآوری آن است. سه مؤلفه مراقبه، مجاهده و محاسبه نفس در اینجا نه به صورت مجزا، بلکه در قالب یک چرخه عملیاتی بسته و

خوداصلاح گر عمل می‌کنند که مدیریت لحظه اخلاقی و تبدیل تدریجی انگیزه به ملکه را ممکن می‌سازد. این سطح، کارگاه ساخت شخصیت است.

۴-۲-۱. مراقبه

براساس «رَأْسُ الدِّينِ مُرَاقَبَةُ اللَّهِ» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۷) به عنوان سیستم نظارت بلادرنگ، با ایجاد آگاهی از حضور خدا و یک «وقفه شناختی-هیجانی»، چرخه خودکار و غریزی «محرک-پاسخ» را می‌شکند. این وقفه، فضای انتخاب آگاهانه و آزادی اراده می‌آفریند.

۴-۲-۲. مجاهده نفس

(مطابق «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (عنکبوت: ۶۹)) در این فضای آگاهانه، به تمرین عینی اراده تبدیل می‌شود. فرد در این وقفه، عامدانه بر خلاف تمایل نفس (مثلاً خشم، تکبر، حرص) عمل می‌کند و مسیرهای عصبی-روانی جدیدی برای فضیلت می‌سازد. این تکرار است که ملکه می‌آفریند.

۴-۲-۳. محاسبه نفس

(بر پایه «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا» (نهج البلاغه، حکمت ۳۱))، سیستم بازخورد و یادگیری است. عملکرد مراقبه و مجاهده در پایان روز (یا هفته) ارزیابی می‌شود. این ارزیابی، خطاها را تصحیح، موفقیت‌ها را تقویت و برنامه بهبودی برای دور بعدی چرخه ارائه می‌دهد.

این سه، یک حلقه عملیاتی بسته را تشکیل می‌دهند: مراقبه، شرط مجاهده آگاهانه است (بدون آگاهی، مجاهدتی در کار نیست). مجاهده، ماده خام محاسبه است (چیزی برای ارزیابی نیست مگر اعمال و مقاومت‌ها). و محاسبه، کیفیت مراقبه و مجاهده در دور بعد را اصلاح و ارتقا می‌دهد. این سامانه، پیوسته در حال پالایش انگیزه‌ها، تقویت اراده و تصحیح مسیر است.

۳-۴. سطح تکاملی-تجلی (تثبیت فضیلت در شخصیت و عمل)

این سطح، محل عینیت و ثبات نهایی اخلاق است. دو مؤلفه اخلاص و رضا در اینجا نه به عنوان فرآیندهای مستقل، بلکه به عنوان کیفیت‌های حاکم بر کنش ظهور می‌یابند. این کیفیت‌ها، محصول عملکرد موفق سطوح پیشین هستند.

۱-۳-۴. اخلاص

(«فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا» (زمر: ۲)، نیت و عمل تصفیه‌شده گذرنده از فیلتر چرخه خودنظارتی را نهایی و یکپارچه می‌سازد. عمل خالص، از ناپایداری موقعیتی (ریاکاری) مصون است و چون انگیزشش کاملاً درونی و متوجه الله است، از تاب‌آوری بالایی برخوردار می‌شود.

۲-۳-۴. رضا

(با اشاره به «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ... رَاضِيَةً» (فجر، ۲۷-۲۸))، آرامش و پذیرش قلبی را در حین عمل خالص تزریق می‌کند. این پذیرش، هیجان‌های مخرب (حسد، خشم، یأس) را مهار کرده و انعطاف‌پذیری فرد را در برابر ناکامی‌های احتمالی و نتایج نامطلوب بیرونی حفظ می‌نماید. رضا، شیرین‌کننده تلخی‌های مسیر است.

کنش برآمده از این سطح، سه ویژگی ممتاز دارد:

۱. خودانگیختگی اصیل: فضیلت به «طبع دوم» و بخشی از هویت فرد تبدیل شده، نیاز به کشمکش درونی شدید کاهش می‌یابد.

۲. تاب‌آوری در برابر شکست و ناملایمات: به دلیل ریشه‌داربودن در اخلاص و آرامش ناشی از رضا، شکست‌های بیرونی شخصیت اخلاقی فرد را متلاشی نمی‌کند.

۳. تأثیرگذاری اجتماعی عمیق و نافذ: عمل خالص و آرام، فاقد جنجال و نمایش است؛ اما به دلیل اصالت، به طور نامحسوس در دل‌ها نفوذ کرده و الهام‌بخش دیگران می‌شود.

۴-۴. سازوکار کلان: چرخه فضیلت (Virtue Cycle)

مدل سه سطحی فوق، یک ساختار خطی ایستا نیست؛ بلکه یک سیستم پویا با بازخورد مثبت است که «چرخه فضیلت» نامیده می‌شود. این چرخه، مکانیسم خودتقویتی و تکاملی مدل را توضیح می‌دهد و آن را از توصیف صرف به یک الگوی زنده و رشدکننده تبدیل می‌کند.

جریان پیش‌رونده (جریان اصلی): انگیزش و تاب‌آوری حاصل از محبت و توکل (سطح یک)، چرخه مراقبه-مجاهده-محاسبه (سطح دو) را فعال و پویا می‌کند. این سامانه، در نهایت کنش‌های متصف به اخلاص و رضا (سطح سه) را تولید می‌نماید. جریان بازخوردی تقویت‌کننده (قلب پویایی مدل): اینجا مهم‌ترین بخش مدل است. عمل موفق و خالص سطح سه، دو اثر قوی و تقویت‌کننده بر سطوح پایین‌تر دارد:

۱. تقویت سطح دو: از طریق فرآیند محاسبه نفس، هر عمل موفق، هم «سرمایه اراده» (مطابق نظریه عضله اراده) و هم دقت و حساسیت مراقبه را افزایش می‌دهد. موفقیت، انگیزه برای مجاهدات بعدی را بیشتر می‌کند.

۲. تعمیق سطح یک: این اثر، کلیدی است. هر عمل خالص و راضیانه، به مثابه یک تجربه معنوی موفق، خود به منزله تقرب عملی به خداوند است. این تقرب، به طور مستقیم محبت الهی را در قلب فرد افزایش می‌دهد.

این بازخورد مثبت، یک مارپیچ تکاملی صعودی ایجاد می‌کند. این مضمون که تقرب از طریق طاعات به محبت ویژه الهی می‌انجامد، در منابع روایی شیعه به وضوح تأیید شده است. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» می‌فرمایند: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا أَحَبَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَحَبَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِذَا أَحَبَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ التَّمَسُّ مِنْهُ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى أَنَّهُ لَيُحِبُّهُ عَلَى طَاعَتِهِ وَ يُحِبُّهُ عَلَى مَعْصِيَتِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۲۷، ح ۱۰). این بیان، نشان می‌دهد که محبت الهی، هم انگیزه طاعت است و هم پاداش آن؛ همچنین در روایتی دیگر، امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند که خداوند فرمود: «مَا تَحَبَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۲، ح ۱). افزون‌براین، در روایات متعددی بر این نکته تأکید شده که نوافل، وسیله تقرب به

خداوند و سبب جلب محبت خاص اوست (ر.ک: شیخ حر عاملی، بی تا، ج ۱، ص ۱۰۸، ابواب نوافل)؛ بنابراین، عمل موفق سطح سه، از یک سو «سرمایه اراده» در سطح دو را افزایش می دهد و از سوی دیگر، به عنوان تجربه ای معنوی، محبت و توکل در سطح یک را تعمیق می بخشد.

همچنین، موفقیت در عمل همراه با توکل، اعتماد و توکل فرد را به پروردگار عمیق تر و راسخ تر می سازد. در نتیجه این بازخورد مثبت، یک مارپیچ تکاملی صعودی ایجاد می کند. هر دور موفق از چرخه، فضیلت را در شخصیت فرد پایدارتر، عمیق تر و تاب آورتر می سازد. به بیان دیگر، عمل اخلاقی نه تنها نتیجه معنویت است؛ بلکه غذای معنویت و تقویت کننده آن نیز هست. این مدل، چگونگی تحقق تدریجی، پویا و خود تقویت شونده فرآیند «اخلاقی شدن» در چارچوب معنویت اسلامی را تبیین می نماید.

۵. کاربست مدل در تحلیل چالش های اخلاقی معاصر

مدل سه سطحی پویای اخلاق معنویت بنیاد، تنها یک صورت بندی نظری انتزاعی نیست؛ بلکه ابزاری تحلیلی-تأویلی کارآمد برای تشریح مکانیسم های بنیادین بحران های اخلاقی عصر حاضر و صورت بندی پاسخ های ممکن مبتنی بر سرمایه حکمت عملی اسلام است. این بخش با گسترش دو عرصه کاربردی کلیدی - تربیت اخلاقی و فضای دیجیتال- ظرفیت تبیینی و راهگشای مدل را به عینیت می آورد.

۵-۱. تربیت اخلاقی: گذار از پارادایم انتقال مفاهیم به پارادایم پرورش قابلیت های وجودی

نظام های تربیتی مدرن بیشتر در چارچوب «پارادایم انتقال مفاهیم» (Knowledge Transmission Paradigm) عمل می کنند که در آن فضیلت، به مثابه مجموعه قواعد عقلانی (شبهه به رویکرد کانتی) یا مهارت های اجتماعی سودمند (شبهه به رویکرد فایده گرایی) تعریف و آموزش داده می شود (Kristjánsson, 2015). شکاف فاحش بین «سواد اخلاقی» (Moral Literacy) و «عمل اخلاقی» (Moral Action) در جوامع معاصر، گواه ناکامی نسبی این الگو در ایجاد انگیزش درونی پایدار و تاب آوری

اخلاقی است (Wong, 2023). مدل پیشنهادی، «پارادایم پرورش قابلیت‌های وجودی» (Existential Capabilities Paradigm) را ارائه می‌دهد که در آن هر سطح از مدل، هدف، روش و محتوای یک مرحله تربیتی منسجم را مشخص می‌سازد.

۵-۱-۱. تربیت در سطح بنیادین: احیای پرسش‌های غایی و بنیان‌گذاری رابطه‌ای

معنابخش

تمرکز در این مرحله، بر کمک به مربی برای کشف، درک و تجربه مؤلفه‌های محبت الهی و توکل است. این فرآیند مستلزم خلق «فضای امن تأملی» برای طرح پرسش‌های هستی‌شناختی است: «هویت حقیقی من چیست؟»، «غایت نهایی حرکت کدام است؟»، «معیار نهایی ارزش‌گذاری چیست؟». مطابق مبانی اسلامی، پاسخ به این پرسش‌ها در گرو معرفت نفس است. قرآن کریم بر این دوگانگی تأکید دارد: از سویی کرامت ذاتی انسان («وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء، ۷۰) و از سوی دیگر فقر وجودی او («يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ» (فاطر، ۱۵)). فیض کاشانی در المحجة البيضاء تصریح می‌کند که «اصل همه طاعات، معرفت و محبت است» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۸۷).

روش‌های تربیتی: مربی با بهره‌گیری از روش‌های حکمت‌آموزی مانند حکایات (داستان‌های انبیاء و اولیاء)، پرسش‌گری سقراطی، مواجهه زیباشناختی با نظم و زیبایی طبیعت و آفرینش، و تمرین تفکر در آیات تکوینی و تدوینی می‌تواند زمینه این خودشناسی را فراهم آورد.

تجربه هدف: تجربه این شناخت، بستری برای شکل‌گیری محبت (به عنوان جذب به کمال مطلق و محبوب حقیقی) و توکل (به عنوان اعتماد به منبع فقر و تکیه‌گاه هستی) می‌گردد. تربیت در این سطح، یعنی یاری رساندن به مربی برای دستیابی به یک «چرایی» وجودی، عاطفی و معنابخش برای زیست اخلاقی. این چرایی، موتور محرکه کل سیر است و بنیان همان «هویت اخلاقی تاب‌آور» را می‌سازد که در برابر نوسانات، جهت غایی خود را حفظ می‌کند.

۵-۱-۲. تربیت در سطح خودنظارتی: آموزش عملی و نظام‌مند سامانه کنترل درونی

این سطح، قلب عملیاتی و نوآورانه تربیت در چارچوب جدید است. مربی باید به طور عینی، کاربردی و ملموس، کارکرد مؤلفه‌های مراقبه، مجاهده و محاسبه نفس را بیاموزد، تمرین کند و درونی سازد. این امر مستلزم طراحی برنامه آموزشی مبتنی بر «تمرین وجودی» (Existential Exercise) است:

تمرین مراقبه (آموزش حضور ذهن مبتنی بر مفاهیم اسلامی): آموزش تکنیک‌های افزایش خودآگاهی لحظه‌ای و «حضور قلب»، مانند: «تکنیک مکث سه ثانیه‌ای پیش از هر عمل مهم»، «توجه به نیت درونی در آستانه تصمیم‌گیری»، یا «تمرین ذکر همراه با تنفس (ذکر تنفسی)». هدف، تقویت آن «سیستم هشدار بلادرنگ» است که فاصله حیاتی بین محرک و پاسخ را ایجاد می‌کند. این تمرین، به طور مستقیم مبتنی بر آیه «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ» (بقره، ۲۳۵) است.

تمرین مجاهده (طراحی چالش‌های اخلاقی تدریجی): طراحی «چالش‌های اخلاقی کنترل‌شده، ایمن و تدریجی». این چالش‌ها موقعیت‌های واقع‌گرایانه‌ای هستند که در آنها مقاومت در برابر یک تمایل آسان (برای مثال به تأخیر انداختن یک پاسخ تند در گفتگو) یا انجام یک عمل نیک دشوار (مانند اعتراف به خطا) مورد تمرین قرار می‌گیرد. این تمرینات، «عضله اراده اخلاقی» (Moral Willpower Muscle) را مطابق نظریه باماایستر (Baumeister & Tierney, 2011) تقویت کرده و پلی بر شکاف معرفت-عمل می‌زنند. این همان تحقق عملی آیه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (عنکبوت، ۶۹) در عرصه تربیت است.

تمرین محاسبه نفس (نهادینه‌سازی فرهنگ بازخورد درونی): آموزش روش منظم، غیرقضاوتی و نوشتاری ارزیابی روزانه. استفاده از «دفترچه محاسبه نفس» با قالب‌های پرسش‌محور ساختاریافته مانند: «۱. امروز در کدام موقعیت، حضور قلب و مراقبه‌ام قوی/ضعیف بود؟ ۲. کجا موفق به مجاهده مثبت شدم یا در کجا تسلیم شدم؟ ۳. نیت غالب امروزم چه بود؟». این فرآیند، مهارت یادگیری از تجربه (Experiential Learning) و

بازخوردگیری خودمنبع (Self-Generated Feedback) را پرورش می‌دهد و تحقق وصیت امام علی (علیه السلام) در نامه ۳۱ نهج البلاغه است.

تربیت در این سطح، معطوف به تقویت سیستم خودمدیریتی و خوداصلاح‌گری متربی است، تا وی بدون وابستگی مطلق به پاداش و تنبیه بیرونی (اگرچه تشویق معقول لازم است)، بتواند رفتار خود را تنظیم، اصلاح و بهبود بخشد.

۵-۳. تربیت در سطح تکاملی: بسترسازی برای تجلی اصیل و تقویت چرخه فضیلت

نقش مربی در این سطح، خلق فرصت و فضایی غنی‌کننده است که در آن عمل اخلاقی بتواند متجلی شده و کیفیت‌های اخلاص و رضا در آن تقویت و تثبیت شوند. این شامل تدابیر زیر است:

تقدیر از نیت و فرآیند، بیش از صرف نتیجه: تقدیر صریح از نیت خیر و تلاش مجاهدانه حتی وقتی عمل به نتیجه مطلوب ظاهری نرسیده است. این کار، ارزش ذاتی نیت و مجاهده را برجسته می‌سازد و از تقلیل‌گرایی نتیجه‌محور جلوگیری می‌کند.

تبدیل شکست به ماده یادگیری: ایجاد فضایی امن و غیرسرزنش‌گرا که در آن اشتباهات و لغزش‌ها، نه به عنوان نقصی مذموم، بلکه به عنوان «داده‌های ارزشمند برای محاسبه نفس و رشد» تلقی شوند. این نگاه، تاب‌آوری اخلاقی (Moral Resilience) و کیفیت رضا را در برابر ناکامی تقویت می‌کند.

طراحی پروژه‌های معنا-محور و بی‌منت: طراحی فعالیت‌های خدمت‌رسانی، کار گروهی یا پروژه‌های هنری که در آنها تمرکز اصلی بر لذت درونی عمل، کشف معنا و رضای الهی باشد، نه بر کسب نمره، جایزه یا تشویق آشکار. این نوع فعالیت‌ها، زمینه پرورش اخلاص را فراهم می‌آورند.

هدف نهایی این است که متربی، موفقیت در عمل اخلاقی را نه تنها به مثابه اجرای یک تکلیف، بلکه به عنوان «تجربه‌ای وجودی که رابطه او با خدا (سطح یک) را تعمیق می‌بخشد» درک کند. این درک، همان بازخورد مثبت از سطح سه به سطح یک است که چرخه فضیلت را به گردش درآورده و حرکت تکاملی را خودپایدار می‌سازد.

۵-۲. تحلیل ریاکاری ساختاری در فضای مجازی با چارچوب مدل سه سطحی

فضای سایر با منطق ذاتی «اقتصاد توجه» (Attention Economy) و خلق «ارزش نمایشی» (Performative Value)، به صورت سیستمی شرایطی پدید می‌آورد که کنش‌ها - حتی کنش‌های به ظاهر اخلاقی - می‌توانند به ابزاری برای افزایش سرمایه اجتماعی، خودنمایی و مدیریت برداشت دیگران تبدیل شوند. شانون والور این پدیدار را «اخلاق نمایشی» (Performative Ethics) می‌نامد (Vallor, 2024). مدل پیشنهادی، سازوکار دقیق شکل‌گیری این ریاکاری ساختاری و مسیرهای مقاومت در برابر آن را با وضوح تحلیلی بی‌نظیری روشن می‌سازد.

۵-۲-۱. فروپاشی سطح بنیادین: جایگزینی «معبود حقیقی» با «بت‌های مجازی اعتبار»

بحران از آنجا آغاز می‌شود که منبع اصلی معنا، ارزش‌گذاری و اعتبار برای فرد، از «رابطه وجودی با خدا و طلب رضایت او» به «تأیید، بازخورد و ارزیابی شبکه اجتماعی (لایک، کامنت، اشتراک، فالوور)» انتقال می‌یابد. در این وضعیت، آنچه جای محبت الهی («وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (بقره، ۱۶۵)) را می‌گیرد، عطش سیری‌ناپذیر برای «دیده شدن»، «پسندیده شدن» و «مشهور شدن» در انظار عموم است. همزمان، توکل و بی‌اعتنایی آرامش‌بخش به نتایج دنیوی («وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق، ۳))، جای خود را به «اضطراب دائمی درباره انگاره عمومی» و «حسابگری و سواس‌آمیز برای بهینه‌سازی تصویر شخصی» می‌دهد. فرد برای کسب اعتبار و پرستیژ مجازی دست به عمل می‌زند، نه برای تقرب. این جابجایی رادیکال در کانون انگیزش، بنیانی سست، وابسته و اضطراب‌زا برای هر عمل اخلاقی احتمالی ایجاد می‌کند.

۵-۲-۲. اختلال در سطح خودنظارتی: از کار افتادن سامانه کنترل درونی در طوفان

محرک‌ها

در فضای پرشتاب، چندوظیفگی (Multitasking) و پرتحرک دیجیتال، مؤلفه‌های خودنظارتی به سهولت مختل می‌شوند:

۵-۲-۲-۱. فروپاشی مراقبه

فشار برای تولید محتوای مداوم، تعامل سریع و حفظ حضور، «وقفه تأملی» (Pause for Reflection) ضروری را از بین می‌برد. فرد بدون تأمل و «حضور قلب»، در چرخه خودکار و هیجانی «محرک» (دیدن پست جنجالی) → پاسخ (پست‌گذاری یا اظهار نظر فوری) غرق می‌شود. ضعف در مراقبه مستقیماً به پست‌گذاری بدون تأمل، انتشار شایعه و تعامل تخریبی منجر می‌شود. فرد فراموش می‌کند که «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (اسراء، ۳۶).

۵-۲-۲-۲. انحراف مجاهده

مجاهدت، از تمرین برای کنترل هوای نفس و کسب ملکات فاضله، به تمرین برای «بهینه‌سازی خودِ نمایشی» (Curated Self) و مدیریت امپرسیون تبدیل می‌شود. جنگ واقعی با تکبر، دروغ یا حسد، جای خود را به جنگ برای پنهان کردن نقص‌ها، ساخت روایتی ایده‌آل و جلب حداکثر توجه می‌دهد.

۵-۲-۲-۳. تحریف محاسبه نفس

ارزیابی عملکرد روزانه، نه براساس معیارهای شرعی و اخلاقی (حلال و حرام، صدق و کذب)، که براساس «آمارهای کمی پوچ» (Vanity Metrics) انجام می‌گیرد. خطای اخلاقی آشکار (مانند غیبت، تهمت، بزرگنمایی) اگر به «افزایش نرخ تعامل» بینجامد، ممکن است در این «محاسبه تحریف‌شده» موفق و حتی مطلوب تلقی شود. این حالت، عین «توجیه اخلاقی» (Moral Disengagement) است که آلبرت بندورا آن را به عنوان مکانیسمی برای انجام اعمال غیراخلاقی بدون احساس گناه توصیف کرده است (Bandura, 1999).

۵-۲-۳. تجلی در سطح تکاملی: تولید کنش نمایشی فاقد اصالت و ثبات

حاصل این فروپاشی و اختلال در سطوح یک و دو، ظهور عملی در سطح سه

است که فاقد کیفیت‌های ذاتی اخلاص و رضا است. چنین کنشی دارای ویژگی‌های زیر است:

فاقد ثبات موقعیتی (خلوص) است: فرد ممکن است در فضای عمومی مجازی، چهره‌ای از یک فعال اجتماعی دلسوز یا فردی عابد نشان دهد، ولی در زندگی خصوصی، تعاملات حضوری یا فضای دیگری از همان پلتفرم (برای مثال در گروه‌های خصوصی) رفتاری کاملاً متفاوت داشته باشد. ضعف در اخلاص مستقیماً به «ویرایش پست برای گرفتن لایک بیشتر» و ارائه تصویری حساب‌شده و غیرواقعی از خود منجر می‌شود. این همان «مراءاة الناس» (خودنمایی برای مردم) است که امام علی علیه السلام ضد آن هشدار داده‌اند: «مَنْ عَمِلَ لِغَيْرِ اللَّهِ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى مَنْ عَمِلَ لَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۹۵).

فاقد آرامش درونی (رضا) است: زیرا احساس ارزشمندی فرد، به طور آسیب‌پذیری به نوسانات تأیید بیرونی گره خورده است. هر کاهش در تعاملات، می‌تواند به اضطراب، حسادت به رقبا، یا یأس و احساس پوچی بینجامد.

تأثیر آن سطحی و زودگذر است: زیرا از عمق وجودی و انرژی روانی پایدار (ناشی از ارتباط با منبعی نامحدود) برخوردار نیست. این کنش‌ها اغلب شعاری و فاقد قدرت تحول‌آفرینی پایدار هستند.

۳-۵. راهکارهای مدل برای مقاومت وجودی و خلق اصالت دیجیتال

مدل سه‌سطحی، نه تنها مسئله را ریشه‌یابی می‌کند؛ بلکه چارچوبی برای «مقاومت وجودی» (Existential Resistance) در برابر این ساختارهای مخرب ارائه می‌دهد:

۱-۳-۵. بازآفرینی سطح بنیادین در قلمرو دیجیتال

ترویج آگاهی‌بخشی انتقادی درباره این خطر که پلتفرم‌ها می‌توانند به «معبودان کاذب» جدید تبدیل شوند. تشویق به بازتعریف هویت و ارزش ذاتی بر مبنای کرامت انسانی و عبودیت الهی، مستقل از آمارهای مجازی. تقویت «توکل دیجیتال» - یعنی

انجام وظیفه اخلاقی در فضای مجازی (نشر علم نافع، گفتگوی محترمانه، افشای ظلم) با نیت خالص و سپس واگذاری نتایج و بازخوردها به خداوند.

۵-۳-۲. فعال‌سازی هدفمند نظام خودنظارتی در لحظه تعامل

آموزش و ترویج «تکنیک مکث دیجیتال» (Digital Pause Technique) به عنوان مصداق عینی مراقبه: پیش از هر انتشار، اشتراک یا پاسخ، مکشی آگاهانه همراه با پرسش‌های درونی: «آیا این را برای الله انجام می‌دهم یا برای الناس؟»، «آیا این گفتار یا تصویر، واقعیت را تحریف می‌کند؟». طراحی «چالش‌های مجاهدت دیجیتال»، مانند: «چالش یک روزه عدم بررسی آمار لایک‌ها»، «چالش عذرخواهی عمومی پس از انتشار خطا»، یا «چالش خودداری از ورود به مجادلات بی‌ثمر».

۵-۳-۳. اصلاح معیارهای محاسبه نفس در عصر دیجیتال

گنجاندن پرسش‌هایی خاص و منتقدانه در محاسبه روزانه که متوجه فضای مجازی باشد: «آیا امروز محتوایی را منتشر کردم که از صحت و نیت خالص آن اطمینان کامل نداشتم؟»، «در بحث‌های امروز، آیا بیشتر در پی کشف حقیقت بودم یا اثبات برتری نظر خود؟»، «آیا وقت و توجهم را - که امانت الهی است - در شبکه‌های اجتماعی به بطلالت یا گناه گذراندم؟».

جمع‌بندی کاربردی مدل

کاربست مدل در این دو عرصه به ظاهر متمایز - تربیت و فضای سایبر - نشان می‌دهد که چارچوب ارائه شده، از قدرت تبیین‌کنندگی و یکپارچه‌سازی بی‌نظیری برخوردار است. این مدل آشکار می‌سازد که بن‌بست در تربیت رسمی یا انحراف اخلاقی در فضای مجازی، ریشه در اختلال یا تضعیف همان سازوکارهای درونی تبدیل معنویت به فضیلت دارد. راه حل کلیدی نیز نه در وضع قواعد و فیلترهای بیرونی بیشتر (که اگرچه لازمند)، که در تقویت نظام‌مند، آگاهانه و عملی سطوح سه‌گانه درونی - بازسازی

انگیزش غایی (سطح یک)، تقویت سامانه خودکنترلی (سطح دو) و پرورش کیفیت‌های اصالت و آرامش در عمل (سطح سه) - نهفته است. بدین ترتیب، مدل حاضر هم چرایی ژرف مشکلات پیچیده اخلاقی معاصر را کاویده و هم چگونگی طراحی مداخلات تربیتی، فرهنگی و حتی فناورانه برای حل آنها را مشخص می‌سازد و گامی در جهت تحقق «حیات طیبه» در جهان پیچیده امروز برمی‌دارد.

نتیجه‌گیری

این مقاله با هدف ارائه مدلی نظام‌مند از فرآیند تحقق اخلاق در پرتو معنویت اسلامی، هشت مؤلفه کلیدی را از منابع اصیل استخراج و در سه سطح به هم پیوسته دسته‌بندی نمود: سطح بنیادین-رابطه‌ای (محبت و توکل)، سطح خودنظارتی-عملیاتی (مراقبه، مجاهده و محاسبه) و سطح تکاملی-تجلی (اخلاص و رضا). سپس با سنتز این مؤلفه‌ها، «مدل سه‌سطحی پویای اخلاق معنویت‌بنیاد» همراه با سازوکار کلان «چرخه فضیلت» ارائه شد. نوآوری این مدل در نشان دادن تعامل پویا، غیرخطی و خودتقویت‌گر میان سطوح سه‌گانه است، به گونه‌ای که عمل اخلاقی اصیل نه تنها محصول معنویت که غذای تقویت‌کننده آن نیز هست.

ظرفیت تحلیلی و کاربردی این مدل در دو عرصه تربیت اخلاقی و فضای سایبر به تفصیل بررسی گردید. در حوزه تربیت، مدل حاضر، گذار از پارادایم انتقال مفاهیم به «پارادایم پرورش قابلیت‌های وجودی» را پیشنهاد می‌دهد که در آن پرورش رابطه وجودی با خدا، آموزش عملی سامانه خودنظارتی و بسترسازی برای تجلی اخلاص و رضا، اهداف اصلی مراحل تربیت هستند. در تحلیل فضای مجازی، مدل نشان داد که ریاکاری ساختاری، نتیجه «جابجایی منبع معنا و ارزش» از خدا به اقتصاد توجه، و «مختل شدن سامانه خودنظارتی» در طوفان محرک‌هاست. راهکار مقاومت، بازآفرینی آگاهانه مؤلفه‌های مدل در قلمرو دیجیتال است.

این مدل، چارچوبی یکپارچه برای پژوهش‌های آینده در حوزه روان‌شناسی اخلاق اسلامی، طراحی برنامه‌های درسی تربیتی، مشاوره و حتی سیاست‌گذاری فرهنگی فراهم

می آورد. تأکید نهایی آن بر این است که اخلاق تاب آور و اصیل، ریشه در عمق وجود انسان و رابطه زنده او با حقیقت مطلق دارد، و هر راه حل بیرونی، بدون توجه به این سازوکار درونی، ناکام خواهد ماند. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱).

فهرست منابع

* قرآن کریم.

** نهج البلاغه.

آمدی، عبدالواحد. (بی تا). غررالحکم و درر الکلم. قم: دار الکتاب الإسلامی.

بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۲۲ق). صحیح البخاری. بیروت: دار طوق النجاة.

ترمذی، محمد بن عیسی. (بی تا). سنن الترمذی (ج ۴). بیروت: دار احیاء التراث العربی.

حر عاملی، محمد بن حسن. (بی تا). وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.

خمینی، سید روح الله. (۱۳۷۸). چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله.

صدر المتألهین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۸۰). الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة

(ج ۷). قم: مصطفوی.

صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه (ج ۴). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱). قم: دفتر انتشارات

اسلامی.

غزالی، محمد بن محمد. (۱۴۰۶ق). احیاء علوم الدین (ج ۴). بیروت: دار الکتاب العربی.

فیض کاشانی، محمد محسن. (۱۴۱۵ق). المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء (ج ۱ و ۸). قم: دفتر

انتشارات اسلامی.

قشیری، عبدالکریم بن هوازن. (۱۴۲۲ق). الرسالة القشیریة. قاهره: دار المعارف.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ج ۲). تهران: دار الکتب الاسلامیة.

مولوی، جلال الدین محمد بلخی. (۱۳۸۶). مثنوی معنوی (مصحح: رینولد نیکلسون). تهران:

هرمس.

نراقی، مهدی. (۱۴۲۳ق). جامع السعادات (ج ۱). قم: انتشارات اسماعیلیان.

- Bandura, A. (1999). Moral disengagement in the perpetration of inhumanities. *Personality and Social Psychology Review*, 3(3), pp. 193-209.
- Baumeister, R. F., & Tierney, J. (2011). *Willpower: Rediscovering the greatest human strength*. Penguin.
- Blasi, A. (1984). Moral identity: Its role in moral functioning. In W. Kurtines, W. M., & Gewirtz, J. L. (1984). *Morality, moral behavior, and moral development*. Wiley, pp. 128-139.
- Kabat-Zinn, J. (2003). Mindfulness-based interventions in context: Past, present, and future. *Clinical Psychology: Science and Practice*, 10(2), pp. 144-156.
- Kristjánsson, K. (2015). *Aristotelian character education*. London: Routledge.
- MacIntyre, A. (2007). *After virtue: A study in moral theory* (3rd ed.). University of Notre Dame Press.
- Rest, J. R., Narvaez, D., Bebeau, M. J., & Thoma, S. J. (1999). *Postconventional moral thinking: A neo-Kohlbergian approach*. Lawrence Erlbaum Associates.
- Seligman, M. E. P. (2002). *Authentic happiness: Using the new positive psychology to realize your potential for lasting fulfillment*. New York: Free Press.
- Vallor, S. (2024). *Technology and the virtues: A philosophical guide to a future worth wanting*. Oxford University Press.
- Wong, D. B. (2023). *Moral relativism and pluralism*. Cambridge University Press.